



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۱۰/۱۰

ولی احمد نوری

افغان و افغانستان تأییدی بر دو نوشته عالی، ملی و آموزنده:

- ۱- نوشته محترم جناب "نور احمد خالدی" تحت عنوان « برداشت های متضاد از تاریخ افغانستان »
- ۲- نوشته محترم "میرمن جلیله سلیمی" تحت عنوان « زبان دری لهجه نیست زبان آفرینشگر فارسی است »

نگاه من به:

بخش دوم

«زبان دری لهجه نیست آفرینشگر فارسی است»

در این روز هایی که گذشت، مسرت آنرا داشتم که دو مطلب عالی، ملی و وطنپرستانه دو تن از وطنداران نجیب را که اسمای مبارک شان در بالا ذکر شد، بخوانم و نه تنها از مطالعه آنها لذت ببرم بلکه افتخار کنم و بر این دو راقم این پدیده های نهایت ملی و میهنی ببالم. از خوانندگان این سطور خواهش میکنم که اگر تا هنوز این مطلب عالی محترمه داکتر جلیله سلیمی را نخوانده باشند آنرا به کمک لینکی که در پایان این نوشته می گذارم، مطالعه فرمایند:

روز جمعه ۱۶ میزان (۶ اکتوبر) نوشته زیبا و پر محتوایی را در وبسایت ملی و عزیز آریانا افغانستان آنلاین از قلم داکتر جلیله سلیمی زیر عنوان «زبان دری یک لهجه نیست، زبان آفرینشگر فارسی است» خواندم و از مطالعه آن نه تنها بسیار حظ بردم بلکه بدان افتخار کردم، و به قلم این دخت افغان بالیدم. این گل مهره هایی را که روی کاغذ رقم نموده است برایش تبریک می گویم و قلمش را در راه دفاع از زبان اصیل و زیبایی دری و هویت ملی افغانستان عزیز فعالتر و برانتر می خواهم. این اشعار زیبا و گویا را که در پایان می خوانید از طبع شاعران بزرگ و جاویدان زبان دری پیرامون لسان زیبا و گویای دری افغانستان عزیز، سروده شده است و آنها را برای تأیید گفته ها و نوشته های بی جلیله جان سلیمی تقدیم میدارم.

به اهتمام ولی احمد نوری

این گلمهره ها در سال ۱۳۹۱ هجری شمسی (۲۰۱۲ میلادی) به همت افغان میهن پرستی که با تأسف اسم او را به یاد ندارم (اگر زنده است غرق افتخارش می خواهم و اگر مرده است روانش را شاد و آزاد آرزو دارم) در انترنت به نشر رسیده بود که این بنده افغانستان آنرا نوت کرده و در تهرتین جای دل خود نگه داشته بود. چون سن بسیار پیش رفته و به سوی نود سالگی به سرعت روانم پیش از آنکه طومار زندگی ام چیده و بر مزارم نوشته شود، آنرا به شما هموطنان عزیزم خاصتاً به جوانان عزیز وطن انتقال می دهم که به این زبان، که زبان " اقبال" و "انوری" ، "بیدل" و "خلیلی" ملک الشعراى افغانستان در زنان سلطنت فرخنده اعلیحضرت محمد ظاهر شاه جنت مکان، زبان " باقی"، زبان خاقانی" زبان ملک الشعراء "بهار"، زبان "نظامی"، "فرخی" و "سنایی"، زبان "سعدی" و "حافظ" و " نسیم اسیر" ملک الشعراى افغان ها در هجرت و به صد ها شاعر افتخار آفرین دیگر است، احترام گذاشته و آنرا عزیز دارند و در برابر هجوم فرهنگی ایران و فارسی ایران از آن حمایت و دفاع کنند.

نظامی:

"نظامی" که نظم دری کار اوست	دری نظم کردن سزاوار اوست
خرد نامه ها را ز لفظ دری	به یونان زبان کرد کسوت گری
سخن را نشان جست بر رهبری	ز یونانی و پهلوی و دری
معنی در خروش آورده پرده	غزل های دری آغاز کرده
زان سخن ها که تازیست و دری	در سواد بخاری و طبری
"نظامی" که نظم دری کار اوست	دری نظم کردن سزاوار اوست
بدو رهبان فرهنگی چنین گفت	به وقت آنکه در های دری سفت
معنی در خروش آورده پرده	غزل های دری آغاز کرده

واصل:

شرح بیان معرفت از ارغوان بپرس	وز نی شنو درس مقامات معنوی
دراج در نظم دری سفت و فاخته	سر کرد عاشقانه غزل های پهلوی

اقبال لاهوری:

گرچه هندی در عذوبت شکر است

طرز گفتار دری شیرین ترست

علامه اقبال لاهوری - اندیشمند، شاعر و نویسنده ای است که در آسمان روشن ادبیات شبه قاره هند، هرگز فراموش نمی شود. اقبال لاهوری در مقام شعر دری، شعر اردو و اندیشه آگاهی که دیرینه تأیخی هند را می شناخت و از خلوص نیت، به باور هایی می رسد که در صفای اعتقاد، تخلیقات او را به شالوده تفکری مبدل کنند تا در «عشق محوری»، مؤمن بماند. (از مقاله مصطفی عمرزی منتشره آریانا افغانستان آنلاین ۲۰۱۷/۰۸/۱۳)

خاقانی:

بربط اعجمی صفت هشت زبانش در دهان از سر زخمه ترجمان کرده به تازی و دری
دید مرا گرفته لب، آتش پارسی ز تب نطق من آب تازیان برده به نکته دری
زبده دور عالمی زآن چو نبی و مرتضی بحر عقول را دری شهر علوم را دری

** * **

دُر دری را از قلم در رشته جان کرده ام

بر رقعہ نظم دری قایم منم در شاعری

** * **

چون به تازی و دری یاد افاضل گذرد نام خویش افسر دیوان به خراسان یابم

دیوان من به سمع تو دُر دری دهد جانم صفات بزم تو ز اوج سما کند

سعدی:

هزار بلبل داستان سرای عاشق را

بباید از تو سخن گفتن دری آموخت

یا

قلم است این به دست سعدی در
یا هزار آستین در دری

فرخی:

دل بدان یافتی از من که نیکو دانی خواند
مدحت خواجه آزاده با لفظ دری

یا

خاصه آن بنده که مانده من بنده بود
مدح گوینده و داننده الفاظ دری

یا

اندر عرب در عربی گویی او گشاد
او باز کرد پارسیان را در دری

یا

آیا به فعل تو نیکو شده معانی خیر
و یا به لفظ تو شیرین شده زبان دری

حافظ:

ز شعر دلکش "حافظ" کسی بود آگاه
که لطف طبع و سخن گفتن دری داند

یا

چو عندلیب فصاحت فروشد ای "حافظ"
تو قدر او به سخن گفتن دری بشکن

یا

زمن به حضرت آصف کی می برد پیغام
که یاد گیرد دو مصرع زمن به نظم دری

سنایی:

باشرف گشتی چوتاج اصفهانت جلوه کرد
پیش تخت تاج داران لفظ تازی و دری
شکر به که تو را یافتم ای بحر سخا
از تو صلت زمن اشعار با الفاظ دری

نجیب الدین جربادقانی:

طبعش از شعر دری گرچه تحاشی کرده است
کی نباشد شرف بنده به تازی و دری

قطران تبریزی:

گر چو دیگر بندگان بر درگهی تو بودمی
همچو دیگر بندگان اندر دل تو پادمی
گر مرا بر شعر گویان جهان رشک آمدی
من در شعر دری بر شاعران نگشادمی

ناصر خسرو:

من آنم که در پای خوکان نریزم
مر این قیمتی در لفظ دری را

عنصری:

آیا به فعل تو نیکو شده معانی خیر
و یا به لفظ تو شیرین شده زبان **دری**

م. نسیم اسیر

ملک الشعراى افغان ها در هجرت

عشوه ای کن که زر و سیم نثارت سازم
خنده ای کن که بریزم به رخت «**دُر دری**»

من ز فیض پدر آموختم این طرز سخن
بهر من شعر سرودن بود ارث پدری

شمس **طبسی**:

نیست عجب گر شود عیسی تازی زبان
از پی گفتار او عاشق شعر **دری**

سوزنی:

صفات روی تو آسان بود مرا گفتن
گاهی با لفظ **دری** و گاهی به شعر **دری**

جبلّی:

پیوسته به الفاظ **دری** وصف تو گویم
چون مدح خداوند به الفاظ حجازی

انوری:

طمع بگشاید ز شرح و بسط او جذر اصم
چون زبان نطق بگشاید به الفاظ دری

معزی:

دست رادش در دهانم در دریا بی نهاد
چون ببارید از زبانم پیش او دُر دری

لاادری:

گر حمد تو بر قبله ابدال نگارند
خواند به نماز اندر شعر دری ابدال

نوشته عالی و ملی و دفاع از اصالت زبان دری
میرمن جلیله سلیمی را به کمک لینک آتی مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/jalila_salimi_zabaan_dari_lahja_nest.pdf

خواهشی از خوانندگان گرانقدر وبسایت آریانا فغانستان آنلاین

هرگاه به بیتی، غزلی، یا رباعی

از شعرای دری زبان و فارسی زبان برخوردارید که در آن زبان دری افغانستان یاد شده بود

لطفاً آن را یادداشت نموده با لطف و مهربانی

به ایمیل ولی احمد نوری

بفرستید.

جهان سپاس و امتنان

Spineghar@gmail.com

و یا

info@arianafghanistan.com